

# کنگره اول حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست برگزار شد!

صفحه ۲

جمعه ۱۱۷ منتشر میشود

# ۱۱۷ کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -  
Hekmatist

۵ آبان ۱۳۸۵ - ۱۲۷ اکتبر ۲۰۰۶

سر دبیر: آذر مدرسی

[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)



کوروش مدرسی

ریبوار احمد

مهرنوش موسوی

کنگره امید، کنگره حزبی معطوف به جامعه

کوچک ماندن تناقض ماهوی با کمونیزم دارد

روش ناسالم در نا امن کردن فضای فعالیت اپوزیسیون محکوم است!

این الگوی کنگره یک حزب سیاسی چپ بود!

قرار در مورد ضرورت تشدید مبارزه علیه قوم پرستی و طرح فدرالیسم

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## اطلاعیه پایانی کنگره اول حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

روزهای ۲۹ و ۳۰ مهرماه ۱۳۸۵ (۲۱ و ۲۲ اکتبر ۲۰۰۶)، اولین کنگره حزب حکمتیست، در شهر کلن آلمان، با شرکت بیش از دویست و شصت نفر نماینده و مهمان، بطور علنی برگزار شد. نمایندگان و مهمانان این کنگره طی دو روز بر سر مسائلی که مستقیماً به زندگی و مبارزه مردم در ایران و جهان مربوط است به بحث و تبادل نظر پرداختند، تصمیم گرفتند و بر سر چگونگی متحقق کردن آمال و آرزوهای مردم ایران توافق کردند.

کنگره با سرود انترناسیونال، یک دقیقه سکوت به احترام جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و سخنرانی افتتاحیه کورش مدرسی لیبر حزب افتتاح شد و پس از گزارش پروسه انتخابات و بررسی و تایید اعتبارنامه نمایندگان رسماً کار خود را آغاز کرد. کنگره با سخنرانی ریور احمد دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق ادامه یافت.

تعداد زیادی از نمایندگان کنگره از شهرهای ایران که بخاطر موانع پلیسی جمهوری اسلامی، متأسفانه موفق به شرکت حضوری در کنگره نشده بودند، آراشان را به تعداد دیگری از نمایندگان و شرکت کنندگان واگذار کرده بودند. گزارش فعالیتهای حزب از مقطع تأسیس حزب تا کنگره اول مورد بررسی و بحث و تبادل نظر حضار در کنگره قرار گرفت. سپس از میان قطعنامه‌ها و قرارهای متعددی که از پیش توسط نمایندگان تهیه شده و در شش شماره نشریه ویژه کنگره علناً انتشار یافته بود، نمایندگان حاضر در کنگره به خاطر محدودیت وقت تنها توانستند تعدادی را که عاجل تر تشخیص دادند در دستور قرار دهند. کنگره طی دو روز بحث و تبادل نظر فشرده و رای گیری، این اسناد را به تصویب رساند: "جنبش رهایی زن در ایران و وظایف حکمتیست‌ها"، "اوضاع جهان و موقعیت کمونیسم"، "اوضاع ایران و مصاف‌های حزب کمونیست کارگری - حکمتیست"، قطعنامه در مورد اوضاع سیاسی ایران (جنبش سرنگونی)، "خطر پاشیدن شیرازه جامعه و ممانعت از آن"، "طبقه کارگر و قدرت سیاسی"، "فراخوان به مردم و به احزاب و شخصیت‌های سیاسی"، "درباره اوضاع سیاسی ایران و موقعیت حزب حکمتیست"، "گسترش سریع گارد آزادی در شهرهای ایران"، "همکاری همه جانبه با حزب کمونیست کارگری عراق و کنگره آزادی عراق"، "ضرورت تشدید مبارزه علیه قومپرستی و طرح فدرالیسم" و چند قرار در مورد مکانیسم‌های داخلی حزب. مجموعه اسناد مصوب کنگره به زودی منتشر خواهد شد.

شرکت در کنگره اول حزب حکمتیست با استقبال وسیعی روبرو شد. از میان احزاب سیاسی، شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی، هنری و فرهنگی که به این کنگره دعوت شده بودند از جمله هیاتی از حزب کمونیست کارگری عراق با مسئولیت ریور احمد، هیاتی از حزب سوسیال دموکرات ایران با مسئولیت آقای جلال مننی، رئیس "سازمان آزادی زن در عراق" بنار محمد، آقایان ایرج جنتی عطایی، بیژن نیابتی، فریدون احمدی (از سازمان فدائیان اکثریت)، حسن اعتمادی (از اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران)، رضا رحیمی (از شورای انقلابی سوسیالیست‌های ایران - حکمتیست)، نیکو داسو از فعالین چپ و تشکل "همبستگی با عراق" در فرانسه، سه تن از فعالین کمونیست ایتالیا: جوزیه پریزولاره فعال کارگری از تشکل "الترناتیو طبقاتی"، روبرتو لوتسی سردبیر نشریه مارکسیستی "پژا مارکسیستا" و اورهان دیلیر در کنگره حضور یافتند و سخنرانی کردند. بعلاوه دهها نفر در لحظات پایانی ثبت نام، خود را به کنگره رساندند، که برگزار کنندگان کنگره ناچار شدند تعداد زیادی از آنان را به خاطر محدودیت جانپذیرند. در جوار جلسات رسمی کنگره کارگاههای گوناگون از جمله درباره سازمان حزب، کمونیسم کارگری در اروپا، مسائل پناهندگان ایرانی و همچنین شب شعری توسط آقای ایرج جنتی عطایی برگزار شد.

اولین کنگره حزب حکمتیست، یک گردهمایی بزرگ و علنی و با شکوه بود که مستقیماً به سرنوشت میلیونها انسان زنده اسیر یک رژیم قرون وسطایی اسلامی در ایران، به آینده جامعه هفتاد میلیونی ایران مربوط بود. نمایندگان و مهمانان این کنگره، این حقیقت را از سیر دوازده کنگره، از شیوه بررسی و تصویب اسناد و از مباحثات جدی و صمیمانه موافق و مخالف، به روشنی مشاهده کردند. نمایندگان و مهمانانی که خود عنصر فعال شکل دادن به این حقیقت بودند که کنگره حزب حکمتیست نه نشستی معطوف به خود، که معطوف به آینده و سرنوشت سیاسی مردم ایران بود. کنگره حزب حکمتیست اتفاق سیاسی مهمی در مقطع مهمی از تحولات سیاسی ایران است. در شرایطی که سردرگمی، بی‌اقتی و بی‌عملی گریبان بخش اعظم اپوزیسیون را گرفته است، یک حزب سیاسی روشن بین، اجتماعی و کمونیستی بار دیگر قدر است میکند و به جمهوری اسلامی اعلان جنگ میدهد. حزبی که سلاح خود را که جز ایجاد اتحاد و تشکل میلیونی مردم حول پرچم آزادی و برابری و عدالت و رفاه انسانها نیست، صیقل میدهد و خود را آماده نبرد میکند. کنگره اول حزب حکمتیست همچنین مقطع مهمی در پروسه ساختن یک حزب سیاسی کمونیستی در تمایز و تقابل با سنت سکتی، بسته و ایدئولوژیک گروه‌های چپی است. حزبی که مکانیسم علنی، سالم و باز آن در کنگره، نمایانگر کار اکثر اجتماعی و آزاد اندیش آن است.

کنگره در بخش انتخابات از میان ۸۸ کاندیدا، یک کمیته مرکزی ۵۲ نفره انتخاب کرد که مرکب است از: آنر مدرسی، اسد گلچینی، اسد نودینیان، اسعد کوشا، اسماعیل ویسی، اعظم کم گویان، امان کفا، امجد غفور، برهان دیوارگر، بهرام مدرسی، بهروز مدرسی، پروین معادی، جلال محمودزاده، جمال کمانگر، ثریا خضری، ثریا شهابی، حسین مرادیبگی، حسن قادری، خالد حاج محمدی، داریوش نیکنام، رحمان حسین زاده، رحمت فاتحی، رسول بناوند، ریور احمد، ساسان سعید، سلام زیجی، سعید آرمان، سعید یگانه، صالح سرداری، عبدالله دارابی، عبدالله شریفی، علی عبداللهی، فلاح شایخ، فواد عبداللهی، کورش مدرسی، لادن داور، کاوه صدیقی، محمد فتاحی، محمد راستی، محمد جعفری، محمود قزوینی، مصطفی اسد پور، مظفر محمدی، مریم افراسیاب پور، ملکه عزتی، مینو همیلی، مهرنوش موسوی، ناهید ریاضی، نسان نودینیان، نسیم رهنما، همایون گدازگر، بنار محمد.

پس از پایان کنگره پلنوم کمیته مرکزی با شرکت اکثریت اعضای کمیته مرکزی برگزار شد. کمیته مرکزی کورش مدرسی را به اتفاق آرا بعنوان دبیر کمیته مرکزی و لیبر حزب و تعداد ۲۱ نفر را بعنوان اعضاء دفتر سیاسی انتخاب کرد که عبارتند از: آنر مدرسی، اسد گلچینی، اعظم کم گویان، امان کفا، بهرام مدرسی، جمال کمانگر، ثریا خضری، ثریا شهابی، حسین مرادیبگی، خالد حاج محمدی، رحمان حسین زاده، سلام زیجی، صالح سرداری، عبدالله دارابی، عبدالله شریفی، فلاح شایخ، کورش مدرسی، محمد فتاحی، محمود قزوینی، مظفر محمدی، نسان نودینیان. جلسه دفتر سیاسی پس از پلنوم کمیته مرکزی، با شرکت تمام اعضاء دفتر سیاسی تشکیل شد. در این نشست فلاح شایخ به اتفاق آرا بعنوان رئیس دفتر سیاسی و ۸ نفر اعضاء کمیته رهبری مرکب از: امان کفا، بهرام مدرسی، ثریا شهابی، خالد حاج محمدی، رحمان حسین زاده، عبدالله دارابی، کورش مدرسی، نسان نودینیان انتخاب شدند.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۴ آبان ۱۳۸۵ - ۲۶ اکتبر ۲۰۰۶

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

## کنگره امید، کنگره حزبی معطوف به جامعه

### گفتگوی تلویزیون پرتو با کورش مدرسی لیدر حزب حکمتیست



koorosh.modarresi@gmail.com

**پرتو:** اجازه بدهید از اینجا شروع کنیم، شما با چه انتظاری به استقبال کنگره رفتید؟ چه اهدافی را تعقیب میکردید؟

**کورش مدرسی:** انتظار من و رهبری حزب از کنگره در اسنادی که در همین رابطه منتشر ساخته ایم منعکس است. ما انتظار داشتیم که کنگره اساسی ترین مسائل سیاسی ایران را جلوی روی خود قرار دهد و به مردم ایران نشان دهد که از موقعیت نامطلوب فعلی، از خطری که در بالای سر آنها در پرواز است، از خطر جنگ امریکا، از خطر جنگ قومی، از خطر جمهوری اسلامی رها شده در جامعه، از این موقعیت دشوار چگونه میتوان نجات پیدا کرد. ما میخواستیم که کنگره مسائل واقعی جامعه را مورد بررسی قرار دهد و به اضافه اینکه خود حزب به خود برگردد. ما میخواستیم که حزب با کمال خونسردی و بدوری از هرگونه تملقی نسبت به خود، قدرت و نقاط ضعف خود را براندازد کند و ببیند برای پاسخ گویی به معضلات سیاسی جامعه چه تغییراتی را باید از سر بگیرد. انتظار ما این بود و تدارک کنگره ای را میدیدیم که در آن نشان دهیم حزب ما بعنوان یک حزب سیاسی و نه یک فرقه ایدئولوژیک چگونه باید عمل کند. میخواستیم که همه نمایندگان و علاقمندان ببینند و حرفشان را بزنند.

میخواستیم که نمایندگان آزادانه رای خود را درباره مسائل گوناگون به صندوق بیاندازند. میخواستیم که مجال برای جدل و بحث و قانع کردن، یافتن متحد سیاسی و پیش بردن سیاست مطلوب برای همه شرکت کنندگان فراهم باشد. در عین حال میخواستیم در ادامه تصویب یک سیاست و یا یک مصوبه، همه نمایندگان بمثابه یک جسم واحد سیاسی بروند و اجرایش کنند. اتحاد خود را اینبار در اجرای مصوبه ها حفظ کنند و از این فضای سنتی و غیر سیاسی سازمانهای سیاسی ایران فاصله بگیرند. ما دنبال قدمهای عملی در ساختن یک حزب سیاسی بزرگ در فضای ایران بودیم. از این منظر، من فکر میکنم کنگره بسیار موفقی بود. همه رفقا بشاش و سرحال آنرا ترک کردند.

**پرتو:** لزوم یک حزب سیاسی و بزرگ و توده ای مورد بحث کنگره بود، سوال من اینستکه چرا این مسئله اینقدر مورد علاقه شماست؟ اینکه نمایندگان بیابند و حرفشان را بزنند مگر مفروض نباید انگاشته شود؟ برای یک ناظر و یک کارگر فرسنگها دورتر اهمیت این جهتگیری را چگونه توضیح میدهید؟

**کورش مدرسی:** اولاً سازمانهای

ایدئولوژیکی دور و بر ما هستند، بخصوص چپی ها، سازمانهایی هستند که مانند فرقه های مذهبی هر کس که فرد معینی را قبول داشته باشد و یا با اعتقادات معینی همراه شود، میتواند به این سازمانها ملحق شود. ثانیاً این سازمانها نوعی از فعالیت را در دستور کار خود دارند که آدم عادی نمیتواند به

کاری را در جامعه به انجام برسانند، نه اینکه بخود مشغول شوند. اینچنین حزبی حزب روابط، حزب محفلهها، حزب عقاید ایدئولوژیک نیست. این حزب، حزب مصوبات سیاسی است. و در چنین صورتی است که این حزب میتواند به اعضای خود امنیت ببخشد. سیاست مخفی در کردورهای آن در



انجام آن مشغول شود. ثالثاً بزرگ و کوچک شدن آنها به اتفاقات معینی در جامعه مربوطه وصل نیست. "حزب کارگری" هستند ولی پایین رفتن دستمزد کارگران در وضعیت این احزاب توفیری ایجاد نمیکند. ما به ازای رشد این احزاب را در متحد شدن بیشتر کارگران همان جامعه نمیتوانید سراغ بگیرید. این درد سازمانهای چپ و حتی سازمانهای دیگر سیاسی در ایران است.

شکستن این موقعیت صرفاً با یک آرزو ممکن نیست. باید عملاً کاری کرد، حزبی شد که آدمها بتوانند ببینند و حرفشان را بزنند. در اینگونه سازمانها با صرف بروز مخالفت سر از انقلاب ایدئولوژیک درمیآورید! در نقطه مقابل اینگونه جریانها باید حزبی شد که کافر و مرتد را کنار میگذارد. حزبی شد که کسی که میبویند فرشته، و کسی که ترک میکند شیطان لقب نمیگیرد. در این چنین حزبی آدمها میابند که حرفشان را بزنند، تصمیم بگیرند، متحد شوند و مثل یک تیم متحد میروند

جریان نیست. اول و آخر سیاستها و حرفها، همان است که در ارگانهای این حزب در جریان است، به رای گذاشته میشود و بعد از بررسی و رای گیری همگی به اجرای مصوبه شان میپردازند.

من فکر میکنم هیچ حزبی، بجز این نمیتواند هرگز رشد کند، فرقه ایدئولوژیک از آب در می آید. حزب ما باید حزبی برای آزاد اندیشی باشد. در عین حال حزبی باشد که اعضایش میتوانند اندیشه آزاد خود را به تغییراتی در جامعه معطوف کنند. فعالین این حزب پیامبران حقیقت نیستند، بلکه در عین حال آزاد اندیشی شان را صرف بهبود و تغییر در زمین سفت زیر پای خود میسازند.

بنظر من، کنگره یک قدم بزرگ ما را به این واقعیت نزدیک نمود. در این کنگره میهمانان از بخشهای مختلف حضور داشتند و دیدند که شرکت کنندگان چگونه بطور واقعی با حرارت و با اصرار به تبادل نظر و یافتن متحد سیاسی مشغول بودند. در عین حال در پایان

شرکت کنندگان برای تحقق مصوبات اکثریت متعهد شده و دست بکار میگردند.

**پرتو:** در مصوبات کنگره مسائلی تازه ای مطرح نشدند. منشور سرنگونی، خطر جنگ امریکا، اعتراضات کارگری و امثالهم قبلاً هم مورد تاکید شما بوده اند. آیا هدف شما تاکید مجدد بر اسناد قبلی بود؟ آیا قبلی هم بود که میخواستید هوا کنید؟

**کورش مدرسی:** میخوام بگویم، قبلی که قرار بود هوا کنیم خود کنگره بود. تمرکز حواس ما رو به جامعه بود. این مسائل و مشغله های جامعه است که کماکان بدون تغییر بقوت خود باقی هستند. کنگره هم، بعنوان یک نقطه قدرت خود، یکبار دیگر مسائل جامعه را منسجم تر و شفاف تر جلوی روی خود گذاشت. کنگره روی تغییرات اخیر جامعه ایران مکتب کرد. موفقه های این تغییر را باز کرد. ما به این بحث پرداختیم که چگونه است که جامعه ایران مملو از تنفر و بیزاری از رژیم در عین حال مملو از انتظار است. کنگره به مخاطرات آتی ناشی از حمله احتمالی امریکا به ایران نیز با دقت پرداخت. ما بارها به این مسئله پرداخته ایم که در ورای محکوم کردنها، به فکر راه چاره های عملی برای مردم بود. باید مانع شد که ایران نیز به سرنوشت عراق دچار گردد.

مردمی که متحد نباشند، مردمی که خوشبین نباشند و بخود اعتماد نداشته باشند، از بهم خوردن اوضاع فعلی هراسان خواهند بود. در مقابله با جمهوری اسلامی محافظه کار از آب درمیآیند. روشن است، هیچکس نمیتواند در جایی زندگی کند که هر آن ممکن است هدف بیمه های امریکایی قرار بگیرد، همزمان انواع دستجات قوم پرست و ارتجاعی و ناسیونالیستها بجان هم بیافتند و مملکت را به حمام خون تبدیل کنند، اسلامی ها هم قوز بالای قوز همه مخاطرات،

بقیه در صفحه ۶

**به حکمتیست ها به پیوندید!**

## تلویزیون پرتو

هر جمعه بین ساعت ۵ و نیم تا ۶ و نیم بعد از ظهر بوقت تهران از کانال یک (شبکه هات برد) پخش میشود، تکرار برنامه ظهر روز بعد.

تلفن تماس:

۰۰۶۷۰۷۳۹۹۸۶۸

parto.tv@gmail.com



rebwarah@yahoo.com

## کوچک ماندن تناقض ماهوی با کمونیزم دارد

### متن سخنرانی ریوار احمد لیبر حزب کمونیست کارگری عراق در کنگره اول حزب حکمتیست

آن روزنه ای که منصور حکمت از آن صحبت می کرد برای ما نتکرز شده است. مرگ منصور حکمت و بعد هم دو شقه شدن حزب کمونیست کارگری ایران دو ضربه بسیار بزرگ به ما زده اند.

من در اینجا نمیخواهم به این مسئله بپردازم که جبهه راست اپوزیسیون ایران هم در این شرایط دچار سرگیجه و بحران بزرگی است. در واقع با همه محدودیت ها و معضلاتمان، ما تنها نیرویی هستیم که بخاطر روشنی خط حکمتیسم، در برابر تحولات بزرگ اخیر در خاورمیانه غفلگیر نشدیم. در حالیکه کسانی که در سالن انتظار انقلاب مهدی منتظر

مانده اند و آنها که امیدشان را به حمله آمریکا گره زده اند اکنون در سردرگمی بزرگی بسر میبرند. این ما هستیم که موانع واقعی پیش پای خودمان و جنبش سرنگونی و انقلابی آتی ایران را به روشنی دیده ایم و به پیشواز جواب دادن به آنها رفته ایم. من دوباره به سوالی بر میگردم که به اعتقاد من در برابر هر دو حزب کمونیست کارگری عراق و حکمتیست قرار گرفته است:

سوال چه باید کرد؟ چگونه با این شرایط دشوار و با محدودیت هایمان مقابله میکنیم؟ چگونه به طور واقعی به عامل تغییر این اوضاع در ایران و عراق و منطقه تبدیل میشویم؟ چگونه در سطح جهانی به عامل بیرون آوردن چپ و کمونیزم از موقعیت کنونی بدل میشویم؟

رفقا! به نظر من جواب این مسئله یک جواب پراتیکی است. من یک ذره نمیخواهم سهم کار نظری را کم کنم. میدانم که این هم مصاف بزرگی در برابر کمونیزم و حکمتیسم امروز است. حکمتیسم باید بعنوان یک جنبش اجتماعی و ورژن خاصی از کمونیزم، بعنوان یک مکتب فکری و یک سنت سیاسی و حزبی دخالتهگر و پراتیکی و تحول بخش ... بعنوان

ادامه خطی که منصور حکمت بنیانگذار آن بود، صاحب هویت روشن و همه جانبه ای شود. این کاری است که باید کرد و ارزش بزرگی هم دارد. اما برای خارج کردن کمونیزم و حکمتیسم از موقعیت امروزش، من معضل اصلی را این میدانم که به رغم میراث عظیم و مباحث داهیاانه منصور حکمت هنوز کمونیزم در هیچ جایی به عامل تغییر بقیه در صفحه ۷

اما خود اینکه ما تا اینجا آمده ایم و در برابر وظایف و مسئولیت های بزرگتر و سنگین تری قرار گرفته ایم، این سوال اساسی را طرح میکند که بعد چه؟ شش سال پیش در مقطع کنگره سوم حزب با حضور منصور حکمت این حزب قرار بود به یک حزب بزرگ و به عامل تغییر سیاسی و اجتماعی در ایران تبدیل شود. قرار بود جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی ایران را رهبری کند. قرار بود

قدرت سیاسی بدست آورد. اکنون همه این وظایف انجام نشده در برابر ما هستند. اما نه به همان شیوه سابق، نه در همان شرایط سابق، نه در همان

شدنشان به پییده های سیاسی مهم در عرصه سیاسی ... از جمله آن کارهای بزرگی بودند که آن حرفه‌ها را به عمل مبدل کردند.

امروز با این کارها و با خود این کنگره، میتوان گفت حزب و جنبش منصور حکمت بعنوان یک روند حزبی زنده در صحنه است و قادر است باز دیگر امید را به طبقه کارگر و جامعه برگرداند. در حقیقت، این مسئله ای بسیار مهم و بزرگ است که اگر این دو حزب با پیگیری از منصور حکمت دفاع نمیکنند و با ایستادگی تمام از آن برزخ عبور نمیکنند اکنون خط و پروژه منصور حکمت نمایندگی نمیشد و تداوم آن مسلم نبود. تا اینجا ما توانسته ایم تا این سطح

کمونیزم کارگری منصور حکمت و حکمتیسم جنبش اجتماعی و حزبی نیرومندی در صحنه است و میتواند منشا تحولات و جای امید بزرگ طبقه کارگر و جامعه باشد.

اما عملی کردن این حرفها کاری دشوار و سنگین بود و تلاش و فداکاری و نیرو گذاشتن و احساس مسئولیت بسیار بزرگی لازم داشت. تلاش قاطعانه هر دو حزب در دل سخت ترین دوره و شرایط سیاسی و اجتماعی، گامهای بلند حزب حکمتیست برای پر کردن خلائی که با دو شقه شدن حزب سابق پیش آمده بود، کارهای برجسته این حزب برای تبدیل شدن به بستر چپ و کمونیزم و

از طرف حزب کمونیست کارگری عراق و هیئت رهبری حزب برگزاری کنگره اول حزب حکمتیست تیریک میگویم و برای کنگره ارزوی موفقیت دارم.

رفقا! مسایلی زیادی در پیش رو داریم. مسایلی راجع به اوضاع جاری و مصافهای کمونیزم امروز و هر دو حزب کمونیست کارگری عراق و حکمتیست، که جا دارد در چنین فرصتی از آن صحبت کنیم. اما من میخواهم در این فرصت بر چند مسئله تاکید کنم که میتوانم بگویم دغدغه های امروزی من درباره موقعیت کمونیزم و اولویتهایی است که در برابر خود داریم. این چند مسئله را در قالب مرور کوتاهی بر اینکه از کجا آمده ایم و به کجا باید برویم بیان میکنم.

رفقا! دو سال قبل وقتی که حزب حکمتیست را ایجاد کردیم، در موقعیت و شرایط بسیار سختی بودیم. کمونیزم کارگری که تازه با از دست دادن منصور حکمت دچار ضربه بزرگ شده بود، برای بار دوم با دو شقه شدن حزب کمونیست کارگری ایران با بزرگترین ضربه روبرو شد. کنگره چهارم آن حزب نشان داد که بعد از منصور حکمت هم کمونیزم کارگری و جنبش سیاسی بزرگ و متحد و جای امید، در جدال سیاسی نقش خود را ایفا کند. اما دیری نگذشت که با تحمیل جدائی، آن امید به باد داده شد و خوشبینی و توقعی که به این جنبش وجود داشت، تماما تضعیف شد. کمونیزم کارگری موقعیت نیرومند خود را از دست داد، کوچک شد و علامت سوال بزرگی در برابرش قرار گرفت.

در آن دوره سخت وظیفه تاریخی بزرگی به گردن حزب حکمتیست و حزب کمونیست کارگری عراق افتاد: اینکه مجدداً آن حقیقت بزرگ را از زیر گرد و غبار بیرون آوریم و جامعه را قانع کنیم که بعد از فقدان منصور حکمت حتی بعد از دو شقه شدن حزب او،



موقعیت سابق کمونیزم کارگری بلکه همه فاکتورها در جهت سنگینی کار ما تغییر کرده اند. تحولات این شش سال، جنگ ارتجاعی آمریکا علیه عراق و اشغال عراق، جنگ اسرائیل علیه مردم لبنان، حاصل تاکنونی تقابل تروزیسم آمریکا و اسلام سیاسی، مجموعاً در جهت عمر خریدن بیشتر برای جمهوری اسلامی پیش رفته است. خطر سناریو سیاه بزرگتر شده است.

جلو بیاییم و دوران برزخ دیگری را پشت سر بگذاریم و امیدواری طبقه کارگر و جامعه به کمونیزم منصور حکمت را جان تازه ببخشیم. این خود کار بسیار بزرگی است. به همین مناسبت نقش برجسته و خاص رفیق کورش منرسی جای قدردانی بزرگی دارد. در واقع او سهم بزرگی در این دوره دارد.

راندیکالیسم در سطح جامعه ایران، تقابل قاطعانه با قوم پرستی و ناسیونالیسم، برافراشتن پرچم منشور سرنگونی جمهوری اسلامی، ادامه دادن خط فکری و سنت منصور حکمت در سطوح سیاسی و عملی و فکری از جانب جریان حکمتیسم، طرح پروژه های بزرگ از جانب هر دو حزب مثل ایجاد کنگره آزادی عراق و گارد آزادی و گارد امان و تبدیل

# مرگ بر جمهوری اسلامی



merhnousch@aol.com

### کنگره حزب حکمتیست برگزار شد و از ۳ زاویه برای من حلقه اهمیت بود.

کنگره خود یکی دیگر از مومنومهای تلاش برای ایجاد یک حزب سیاسی بود. حزبی که از مضمون قطعنامه ها تا نحوه بحث موافق و مخالف روی آن کاملاً به شیوه احزاب سیاسی غیر ایدئولوژیک و غیر فرقه ای با کمال متانت و حوصله و با آرامش به مسائل پرداخت. اینجا خبری از شلوغ بازی و شعار و خودتحمیقی و خود تهجی نبود. من فکر میکنم خود همین فضا بیشترین امکان دخالت سیاسی را برای آزاد مردم در این حزب فراهم میکند. این کنگره خیلی سیاست را قابل لمس کرده بود. در مقابل کسانی که معتقدند تأکید روی این مسائل نشانه عقب گرد است و فرض باید این باشد که کمونیستها به این شیوه همایش سیاسی قوه مقننه خود را برگزار کنند، پاسخی من این است که این حقیقتی است. به جریان ما یک عقب گردی را تحمیل کردند. یک زمانی این جنبش مبتکر این بود که نه فقط در حزب خودش را به روی مردم باز کند، بلکه رسم برگزاری کنگره علنی را به کل اپوزیسیون چه راست و چه چپ آن تحمیل کرد، حکمت شراپلی فراهم آورد که در کنگره کمونیستها نمایندگان احزاب راست بیایند و حرفشان را بزنند و پاسخ بگیرند. امروز بر عکس است. کسانی که خودشان البته این عقب گرد را موجب شده و اسمشان را کمونیست گذاشته اند برای اینکه "حرف" بزنند به دامن دیگران و حتی دشمنان کمونیستها به شیوه هایی غیر اصولی و غیر قابل باور پناه برده اند. این فاجعه است، عقب گرد برای توصیف این وضع کم است. مادر این وانفسا کنگره خودمان را برگزار کردیم و تصویر متفاوتی شدیم. ما را نمیشود بدون تاریخمان قضاوت کرد. در عین حال اینکه در کنگره ما موافق و مخالف روی

## این الگوی کنگره یک حزب سیاسی چپ بود!

### مهرنوش موسوی

وارد یک رابطه ای شدیم. ما مردم را در سوخت و ساز واقعی فکری و سیاسی رهبری خود سهیم کردیم. در عین حال که بیشترین قطعنامه های ما مربوط به ضبط و ربط داشتن این حزب و قانون داشتن و "هردنبیل" نبودن موازین آن بود. این پشت و روی فعل و انفعال سیاسی در درون این حزب بود و مشغله های آن تماماً مربوط به مسائل عملی و فکری پیشبرد مبارزه ما بود. از تحمیل

مسائل مختلف به بحث و مشورت و تبادل نظر پرداختند را نمیشود به صرف "دمکراسی" و "آزادی بیان" و غیره توضیح داد، این بسیار تقلیل گرایانه است. ما هیچ بدهکاری به سنت سیاسی کسانی نداریم که کمونیسمشان همیشه بدهکار و کیسه بوکس "دمکرات نماهای" طیفات حاکم و جنبش های سیاسی آنهاست. خود تحمیل فروختن آن تحت لوای جدید

در داخل کشور است که البته بحث هایی است که هنوز باید محصولات بیشتری داشته باشند. این خودش یک پیشروی بود. معلوم بود که دو سال پس از تشکیل این حزب یک صورت مساله واقعی روی میز ماست. به نظر من ما پس از مرگ منصور حکمت وارد یک پروسه نامتعرف شدیم. از بعد از کنگره سوم حزب نشانه هایی از این امر نمایان بود که ابعاد و دامنه تشکیلات حزب عملاً از تئوریهای سازمانی تاکنونی جلو میزنند. به عنوان یکی از منتقدین

طرحهای موقت فعلی اما جالب و قابل تعمق میدانم نفس سنوالی که روی میز رهبری حزب همچنان قرار دارد و آن هم تناقض میان



کنگره علنی و تشکیلات گسترده مخفی است؟! در این زمینه شاید بیشتر از اینها بشود به تجربه حزب کمونیست کارگری عراق گوش کرد.

حضور بسیار فعال و مشارکت و همدلی کمونیست کارگرپهای عراق قابل احترام و در عین حال بسیار بسیار جالب بود. با وجود تفاوت های زیادی که میان عرصه های مختلف نبرد ما در دو جامعه وجود دارد، مهم این است که پیشروها و دستاوردها متعلق به هر دو جنبش است.

بالاخره اینکه به نظر من این کنگره دستاورد مهمی بود. مهمتر از اینها و خیلی بهتر از اینها میتوانست بشود اگر اجماع فکری و تصویری واحترتی از تلاش ما برای تبدیل کنگره به یک سکوی پرش سیاسی وجود داشت. به اعتقاد من خود کنگره در عین حال باعث نزدیکی بیشتر ما به مردم و ما به هم برای وصول به اهداف مشترک شد. این شادی بخش و بسیار امیدوار کننده است. پیام این کنگره به نظر من این بود که برای ایجاد هر تغییری در زندگی مردم در جامعه ایران کمونیسم به حزب نیاز دارد و این حزب باید مختصات سیاسی داشته باشد و اینکه این حزب باید در خود برای سازندگانش به عنوان یک وسیله مهم در حرف و عمل روزمره شان مهم باشد و این حزب را باید گسترش داد و موانع سیاسی و فکری و سنتی دخالت مردم و بویژه رهبران و فعالین کارگری و اتحاد مردم را از میان برد. کنگره ما نماد عبور از بسیاری از این موانع بود.

"علنیّت" باعث تحمیل ضربات زیادی به جنبش ما شد که معنی و مفهوم حزبیت را تماماً به عقب رانده و تحزب طبقه کارگر و کمونیسم کارگری را امروز با مخاطرات جدی مواجه کرده است. مسئله ما اما از روز اول قبل از هر چیز مردم بوده و هست. آن هم در یک رابطه کاملاً سیاسی و حزبی! این تأکید را به این خاطر میکنم که کنگره ما بالاخره یک الگویی جلو جنبش کمونیسم کارگری گذاشت که در این سالهای اخیر به لطف هجوم سنتی چپ مینداشت که برای رابطه با مردم فرمول "حزب و جامعه" یک الاکلنگ است که بویژه قسمت اول آن یعنی حزب را باید ول کرد، در هم ریخت و... ما در کنگره خود به شیوه علنی اما تأکید میکنم کاملاً با دیسیپلین و حزبی

## مصوبات کنگره اول حزب حکمتیست بزودی منتشر خواهد شد.

# زنده باد سوسیالیسم!

**از صفحه ۳ کنگره امید.....**  
آنوقت خوشبین هم باقی ماند. همیشه تاکید کرده ایم توضیح دادن این شرایط کافی نیست. کنگره تلاش کرد که در فشرده ترین وجه کمیته مرکزی خود را موظف کند راه عملی در مقابل مردم بگذارد، راه حلهایی که مردم بتوانند از قبل جلوی فاجعه را بگیرند.

بطور خلاصه بنظر من کنگره ما مطلقاً تنها بخود معطوف نبود. به جامعه و مسائل طبقه کارگر و مخاطرات دهشتناک جلوی پای بشریت امروز در آن جغرافیا پرداخت. مسئله ما این بود که چگونه در این متن میتوان به مبارزه علیه جمهوری اسلامی و خلاصی از قید و بندگی و استعمار و بردگی معطوف ماند. این نقطه قوت کنگره بود.

شانس را فقط احزاب جدی میتوانند متحقق کنند. در کنگره به موانع عظیمی که در مقابل این حزب و مردم قرار دارد اشاره شد. ما طرفدار این هستیم که کل واقعیت را با چشم باز بنگریم. این شرط اصلی پیدا کردن راه حل است. هنر کنگره ما، در ارائه راه حل بود.

**پرتو:** من با یکی از نمایندگان صحبت میکردم، ایشان میگفت اگر بخواهد کنگره را در يك کلمه توصیف کند، کلمه "امید"، کنگره امید، را ترجیح میدهد. شما موافقت میکنید؟

**کوروش مدرسی:** دقیقاً! ما دوره سختی را پشت سر گذاشته ایم. در يك تجربه تلخ، دو سال پیش از يك قطب چپ راه خود را

ما را به عنوان نقطه امید در مقابل با قوم پرستان و ناسیونالیستها بحساب میاورند. خیلی خلاصه این کنگره، کنگره باز شدن فرصت جدید در مقابل با جمهوری اسلامی و مخاطرت متنوع دیگر بود.

**پرتو:** نمایندگان از داخل و خارج کشور در کنگره حضور داشتند. برای کسی که در کنگره نبود، و برای علاقمندان سرنوشت از این نشست چه گفتنی ای دارید؟

**کوروش مدرسی:** شعار ما این بود که این کنگره کنگره جامعه ایران است. راجع به حزب هم است. و به يك معنی در مورد حزب و جامعه است. مسئله ما برقراری رابطه فشرده و

میتوان شاهد بود؟

احزاب سیاسی چنین رابطه ای را قطع کرده اند. مهمترین پیام کنگره این بود که حزب ما باید توجه خود را بسمت جامعه متوجه کند. باید پیشرفت و پسرقت خود را با تحولات جامعه و وضعیت مردم و جامعه بسنجد. باید ببیند که فعالیت حزب چه تاثیری روی سرنوشت کودک، کارگر، زنان و مردم دارد. تاثیر نه فقط در زمینه دستمزد و ساعت کار، بلکه در سطح کاملاً عادی، انسانی و روزمره باید ملموس باشد. این معیار تبدیل شدن به حزب سیاسی است. حزب سیاسی که معطوف به جامعه است. حزبی که بالا رفتنش عروج انسانیت در جامعه است. اگر ما در زندگی روزمره در جامعه منشا اثر، متحد کننده و امید دهنده نباشیم، در اینصورت بودن و نبودن ما موجب خشنودی خاصی نخواهد بود. پیام اصلی کنگره، برگشت حزب به متن جامعه بود.

این گفتگو در ۲۴ اکتبر برای تلویزیون پرتو صورت گرفته است. تنظیم متن گفتگو با عهده مصطفی اسدپور است.



**پرتو:** کنگره گزارشی از عملکرد رهبری حزب در دور قبلی را هم دریافت کرد. رضایت و عدم رضایت، هر دو، در میان نمایندگان مشاهده شد. خود شما در این زمینه چگونه فکر میکنید؟

**کوروش مدرسی:** ببینید اگر ما خود را با سایر جریانات مقایسه

کنیم، با اینکه خود را با پیشرفت دو ساله جریانات چپ مقایسه کنیم، باید بخود مدال طلا بدهیم. چرا که در ظرف این دو سال ما کاری را کردیم که احزاب دیگر ظرف بیست سال از پس آن بر نمیآیند. ما در عرصه سیاسی ایران حزبی را ساخته ایم که به اذعان دوستان و مخالفانش از حضور واضحی برخوردار است. برخی خود را با آن تداعی میکنند و برخی از آن دوری میگیرند. ولی کار دو سال اخیر ما، يك کار عظیم بود. این حاصل کار جمعی، از کادرها از تهران و شهرهای ایران تا ونکور بود. منتهی کنگره هم تاکید داشت که ابلهانه است که به مقایسه خود با اینگونه جریانات بنشینیم. مساله اینستکه در اینصورت ما به چیزی پرداخته ایم که منشا اثری در جامعه و زندگی مردم نیست.

در عوض اگر خود را در مقایسه با چیزی که باید باشیم بنگریم، آنوقت حرف بیشتری برای گفتن هست. کنگره بارها روی يك شانس تاکید گذاشت. شانس که طبقه کارگر و مردم ایران میتوانند از کابوس جمهوری اسلامی خلاصی یابند. منتها این

جدا کردیم. حزب خود را درست کردیم. امروز این واقعیت از آن یکی بزرگتر است. من در توصیف این وضعیت قبلاً تشبیه کرده ام که در مقابل کشتی ای که داشت غرق میشد، ما يك قایق به آب انداخته ایم. ما میخواستیم نگرانی را در نیای تیره آن زمان برای آدمها بسازیم. خیلی ها اعتماد نکردند. خیلی ها از کسانی که آمدند هم زیاد خوشبین نبودند. بنظر من این فاکتورها بکلی عوض شده است. در صحنه جامعه ما امروز حزبی هستیم که کسی تاریخ تولد این حزب را بخاطر نمیآورد. ما خود را به تاریخ قیلتز کمونیسم کارگری وصل کرده ایم. بسیاری، حتی در قطب مخالفین،

ارگانیك میان این دو مولفه، حزب و جامعه، بود. این کنگره بنظر من باید با این تداعی شود که فعالیت آن به معنای قدرتمند شدن مردم در محل باشد. اگر در يك کارخانه ما هستیم باید معنی اش را در متحد شدن کارگران بتوان دید. شهر مورد فعالیت ما باید در مقابل قوم پرستی مصون تر باشد. دانشگاه مورد فعالیت ما باید آزاد تر باشد. مثال اسلامی جا که اسلامی ها روشن میکند. هر جا که اسلامی، حضورشان را میتوان در چادر زنان، در ریش درآوردن و دراز شدن استین و تسبیح دست مردان دید. سوال اینستکه جایی که حزب حکمتیست بزرگ میشود و تاثیر میگذارد کدامین اتفاقات را

## از سایت ویژه کنگره حزب حکمتیست دیدن کنید:

[www.hekmatist.com/vigekongereh1.htm](http://www.hekmatist.com/vigekongereh1.htm)

# دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

## از صفحه ۴

## کوچک مئدن .....

مبدل نشده تا از این راه حقایقت حکمتیسم را در سطح اجتماعی عملاً اثبات کند.

به این معنی من مهمترین مصف کمونیسیم در این دوره را این میدانم که باید کاری کنیم تا کمونیسیم به یک نیروی قدرتمند و عامل تغییر در میدان نبرد بر سر سرنوشت جامعه و قدرت

سیاسی بدل شود. مشکل ما در درجه اول ضعف ما و جثه کوچک ما در برابر کارها و وظایف عظیمی است که در برابرمان قرار گرفته است. باید این ضعف و این کوچک بودن را علاج کرد.

در این مورد معتقدم که معضل اساسی این است که ضعف کمونیسیم و از جمله خود ما هنوز ضعف در قابلیت و اشتباهی بزرگ شدن است. زمینه بزرگ شدن را داریم. ظرفیت دخالت سیاسی ما کوروا داریم. جامعه و جنبش آزادیخواهی، کارگر و توده های زحمتکش آمادگی استقبال از آلترناتیو ما را دارند. اما این خود چپ و کمونیسیم است، و از جمله خود ما، که هنوز زیر تاثیر سنتها و تصورات غیر اجتماعی چپ، قابلیت و اشتباهی بزرگ شدن ندارد یا خیلی کم دارد. این ما هستیم که در حد لازم و با روش درست تلاش نمی کنیم تا نیروی عظیم مردم را بخود جلب کنیم. این مانع که خیلی کم دست به پروژه های عملی و دخالتگرانه میبریم، پروژه هایی که میتوانند کمونیسیم را به عامل تغییر در زندگی مردم و جامعه تبدیل کند. این مانع که حتی درها را به روی نیروهای اجتماعی ای که میتوانند به ما رو بیاورند باز نکرده ایم.

میخواهم بگویم که از روی آوری مردم به خودمان و از بزرگ شدن خودمان میترسیم. به همین دلیل موانع گوناگون جلو بزرگ شدن خودمان ایجاد می کنیم. این یک درد کشنده چپ است که شامل ما هم میشود. بنظر من خیلی مهم است که قبل از هر چیز باور کنیم که کوچک بودن در این عصر بزرگترین معضل کمونیسیم است. باور کنیم که کوچک بودن ماهیتا با کمونیسیم مارکس و لنین و منصور حکمت تمایز دارد، باور کنیم که یک نیروی کوچک به آن معنا که نتواند عامل تغییر باشد، دیگر در عمل، کمونیسیم

مارکس را نمایندگی نمیکند، هر قدر هم شعار رادیکال بدهد مادام که پراتیک اجتماعی تحول بخش رادیکال نداشته باشد، هر اندازه هم تفسیر مارکسیستی درست از دنیا و رویدادهای دنیا بدهد مادام که خود عامل تغییر نباشد، بقول مارکس، مفسر خواهد بود. در حالیکه مسئله برای کمونیسیم بر سر تغییر دنیا است. این کار از نیروی بزرگ ساخته است.

رفقا!

ما از ساختن حزب سیاسی صحبت میکنیم و در حد مقوله در این باره اختلافی نداریم. مشکل هم این نیست که این کار از ما ساخته نیست. مشکل این است که با خصایص و میاتی و مکانیسمها و قانونهای حزب سیاسی هنوز مشکل جدی داریم. هنوز سایه این برخورد بر ما سنگینی میکند که میخواهیم حول ایندولوی و با معیار ایندولویک، حزب سیاسی بسازیم، نه حول پلاتفرم سیاسی و پراتیک سیاسی برای تغییر اوضاع، یا برای نمونه حول

ترین اختلاف نظر دو نصف می شود. نصفی بی امید میشود و میروند. نصف دیگر هم دو گروه ۲۵ نفره میشود. این معضل بزرگی است و باید با توجه و اهتمام زیادی به آن بنگریم و دست و بال خودمان و کمونیسیم مان را از آن خلاص کنیم. این هیچ شباهتی به کمونیسیم، به "اتحادیه کمونیسیتها"ی مارکس و حزب بلشویک لنین و حزب منصور حکمت ندارد. برویم تاریخ آنها را بخوانیم و ببینیم سیمان اتحاد حزبی و سیاسی و پراتیکی شان چه بوده است.

این برای ما مصاف مهمی است که چگونه حزب را بزرگ کنیم. چگونه درهائیش را بروی واردشوندگان باز کنیم. چگونه مانند احزاب سیاسی بزرگ دنیا نیروی بزرگی با نظرات متنوع در حزب و به دور حزب جمع کنیم. چگونه باید دور پلاتفرم و قرار سیاسی با اراده ای متحد، کار سیاسی و اجتماعی کرد.

یک مصاف این است که این حزب با همین توان فعلی و با



"منشور سرنگونی جمهوری اسلامی" یا "کنگره آزادی عراق". به همین دلیل نه تنها نمیتوانیم بخش هرچه بزرگتری از نیروی جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی را دور خودمان و در صفوف حزب سازمان دهیم بلکه وقتی هم که به ما رو میآورند، با آنها دچار مشکل میشویم. بعلاوه، چنین سنتی حتی نمیتواند نیروهای خودش را هم متحد نگاه دارد. چون وقتیکه با هزار زحمت به صد نفر هم میرسد، بر سر ساده

تصویری که پیشتر گفتم ملزم است که ابتکارات بزرگ سیاسی و پراتیکی از خود نشان دهد. با کارهای بزرگ جامعه را تکان دهد و از این راه خود را به مرکز سیاست و جدال اجتماعی پرتاب کند. فقط با کار رویتین و تبلیغ و ترویج ما نمیتوانیم از عهده وظایف و مصافهای امروز کمونیسیم برآیم. نمیتوانیم کمونیسیم منصور حکمت را از سطح یک امید تا سطح یک تبدیل رهاییبخش گسترش بدهیم. با همه اینها باز باید به این سوال

**باور کنیم که کوچک بودن ماهیتا با کمونیسیم مارکس و لنین و منصور حکمت تمایز دارد، باور کنیم که یک نیروی کوچک به آن معنا که نتواند عامل تغییر باشد، دیگر در عمل، کمونیسیم مارکس را نمایندگی نمیکند.....**

**مسئله برای کمونیسیم بر سر تغییر دنیا است. این کار از نیروی بزرگ ساخته است.**

در عراق کنگره آزادی عراق و ایجاد گارد امان خانه های محلات، که عملاً شروع شده است، آن کار عظیمی است که جواب داد که چه کارهای دیگری از این مدل را در دستور خود میگذاریم؟ تنها با گارد آزادی به اضافه کارهای رویتین راه به جایی نمیرسیم. اگر تلویزیون هر روزه را هم اضافه کنیم هنوز کافی نیست. آیا این حزب پای پروژه های دیگری در این سطح میروند؟ برای نمونه پیاده کردن عملی طرح کنترل محلات؟ یا شکل دادن به جنبشی نیرومند در برابر موج سناریوی سیاه؟

انتظار این است که کنگره این جهت را تثبیت کند و حزب را روی ریل چنین پروژه هایی بیندازد. پروژه هایی که در داخل ایران حزب را به حزب رهبر و سازمانده مبارزات توده ای بدل کند. و بالاخره سرنگونی جمهوری اسلامی به رهبری حزب حکمتیست و بدست جنبش ما را به سرانجام برساند.

به اعتقاد من عرصه اصلی نبرد امروز برای حزب حکمتیست در راستای تبدیل شدن به بستر اصلی چپ و کمونیسیم در ایران و عراق و منطقه و جهان، همین است. شکل دادن به چنین نیرویی بزرگترین نقش را در احیای کمونیسیم در سطح جهانی خواهد داشت و دست ما را برای کار کردن حول یک قطب چپ و مارکسیستی دخالتگر و انترناسیونالیست پر خواهد کرد.

اکتبر ۲۰۰۶

کارهایی که میتواند کمونیسیم را از موقعیت فعلی فراتر ببرد.

**به سازمان جوانان حکمتیست پیوندید!**

سایتهای حزب و نهادهای نزدیک به حزب :

[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)

[www.jawanx.com](http://www.jawanx.com)

[www.marxhekmatistsociety.com](http://www.marxhekmatistsociety.com)

[www.iran-telegraf.com](http://www.iran-telegraf.com)

[www.oktoberr.com](http://www.oktoberr.com)

[www.hekmat.public-archive.net](http://www.hekmat.public-archive.net)

**تماس با حزب**

**کوروش مدرسی** لیدر حزب

[koorosh.modarresi@gmail.com](mailto:koorosh.modarresi@gmail.com)

تلفن: ۰۰۴۴۷۷۴۸۶۳۰۸۳۳

**رحمان حسین زاده**

[huzienzade\\_r@yahoo.com](mailto:huzienzade_r@yahoo.com)

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

**فاتح شیخ** رئیس دفتر سیاسی

[fateh\\_sh@yahoo.com](mailto:fateh_sh@yahoo.com)

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۱۷۵۱۲

**عبدالله دارابی** فرمانده گارد آزادی

[darabiabe@gmail.com](mailto:darabiabe@gmail.com)

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۵۲۱۶۳

**حسین مرادیگی** دبیر کمیته کردستان

[h\\_moradbeigi@yahoo.com](mailto:h_moradbeigi@yahoo.com)

تلفن: ۰۰۴۴۷۹۱۶۲۱۳۶۳۴

**نسان نودینیان** دبیر کمیته خارج کشور

[Nasan\\_nodinian@yahoo.de](mailto:Nasan_nodinian@yahoo.de)

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۳۸۷۲۵۱۸۵

**بهرام مدرسی** دبیر کمیته داخل

[bahram-modarresi@freenet.de](mailto:bahram-modarresi@freenet.de)

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱

**جمال کمانگر** دبیر سازمان جوانان حکمتیست

[jamalkamangar@yahoo.com](mailto:jamalkamangar@yahoo.com)

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

**اسد نودینیان** روابط عمومی حزب

[nodinyan\\_a57@yahoo.se](mailto:nodinyan_a57@yahoo.se)

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۶۵۳۵۵۶۷

**دبیر خانه حزب**

[mail@hekmat.com](mailto:mail@hekmat.com)

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۳۰۳۷۹۵۲۶

از مصوبات کنگره اول حزب حکمتیست:

**قرار در مورد**

**ضرورت تشدید مبارزه علیه قوم پرستی و طرح فدرالیسم**

عروج قوم پرستی و بر اساس آن ارائه طرح فدرالیسم در فضای سیاسی ایران، پدیده ای بسیار خطرناک و میتواند بانی جنگ و کشتار و پاکسازی قومی در آینده ایران و حرکتی علیه زندگی و امنیت و مدنیت مردم و جامعه باشد. عروج قوم پرستی و تشدید فعالیت جریانها و گروههای قوم پرست و فدرالیست در یک سال اخیر محصول ۲ فاکتور اساسی است.

۱- از یک طرف سیاست اعمال فشار آمریکا علیه جمهوری اسلامی و موضوع دخالت نظامی آمریکا و سرمایه گذاری دولت سوپر راست بوش بر گروههای قومی و فدرالیست همچون اهرم فشار و ابزار پیشبرد سیاستهای "نظم نوینی" و زورگویانه و از طرف دیگر امید این جریانها به تکرار تجربه سناریوی سیاه عراق در ایران، اتکا این جریانها ضد مردمی و سناریو سیاهی به پول و اسلحه و امکانات تبلیغاتی آمریکا و طرحها و امکانات نظامی پنتاگون به بهانه مقابله با جمهوری اسلامی، فاکتور مهم گسترش فعالیت قوم پرستان و دارودسته های فدرالیست در فضای سیاسی ایران است.

۲- بر بستر تداوم حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی، گسترش نفوذ عمیق مردم از این رژیم و با اتکا به مهندسی افکار منیا و ژورنالیسم نوکر ویروس ناسیونالیسم و ناسیونالیستهای رنگارنگ در صحنه سیاسی ایران فعال شده است. مصون نبودن جامعه در مقابل ویروس ناسیونالیسم و قوم پرستی بویژه در غیاب هژمونی و نفوذ عمومی سیاست چپ در جنبش سرنگونی، موجب تحریک بیشتر قوم پرستانه در ایران و مشخصا در خوزستان، کردستان و آذربایجان شده است. در مواردی از جمله در اهواز و آذربایجان موجب پیدایش تظاهرات ارتجاعی قوم پرستانه و ناسیونالیستی زیر لوای مبارزه با جمهوری اسلامی بوده است. تحریکات ارتجاعی که با شعارها و پلانترم نفرت پراکنی قومی در صدد پایه گذاشتن کینه و دشمنی در میان صف وسیع انسانی است که سالها در کنار هم زیسته اند.

این تجارب نگران کننده و یاد آوری نسل کشیهای قومی در رواندا، بالکان، افغانستان و جنگ و کشتار مذهبی و قومی عراق کنونی تحت اشغال آمریکا، هر حزب و جریان اجتماعی مسئول در قبال امنیت و مدنیت مردم و جامعه ایران و متعهد به حقوق اولیه انسان را به صف مبارزه فعال و قاطع علیه قوم پرستی و طرح فدرالیسم برای آینده ایران فرا میخواند.

**روش ناسالم در نا امن کردن فضای فعالیت**

**اپوزیسیون محکوم است!**

اخیرا نوشته ای تحت عنوان "گزارشی از پلنوم حککا، روایتی دیگر" و با امضای فردی به نام مستعار "نوید بشارت" منتشر شده و نویسنده آن که ظاهرا از شرکت کنندگان در پلنوم اخیر حزب کمونیت کارگری بوده به گفته خود حقایق را در مورد این پلنوم بازگو کرده است.

صحت یا سقم ادعاهای نویسنده تغییری در این واقعیت نمیدهد که دست بردن به این روش، ناسالم و مشکوک است. نوشته ای که نویسنده آن هویت واقعی خود را پنهان میکند فاقد هر گونه اعتبار است و باید فقط یک پرونده سازی آشکار و مشکوک تلقی و محکوم شود.

چنین روش هایی، با هر انگیزه ای که براه بیفتند، جز نا امن کردن فضا سیاسی برای اپوزیسیون نتیجه دیگری نخواهد داشت. رواج پیدا کردن چنین روشهایی سنتی از افتراء، دروغ، پرونده سازی و پاپوش دوزی در مورد سازمانها و احزاب اپوزیسیون و رهبری آنها را پایه گذاری و بیش از هر کس و هر چیز دست جمهوری اسلامی برای حمله به اپوزیسیون را باز میگذارد.

حزب کمونیت کارگری - حکمتیست به سهم خود چنین اقدامی را محکوم میکند و از همه سازمانها، احزاب و سایتیهای خبری و سیاسی میخواهد از انتشار چنین نوشته های مشکوکی خودداری کنند.

حزب کمونیت کارگری ایران - حکمتیست

۲۶ اکتبر ۲۰۰۶

**نه قومی، نه اسلامی، زنده باد هویت انسانی!**